MEJDS. 2022; 12:231.

Published online 2023 Mar. **Original Article**

Determining the Model of Marriage Stability Based on the Quality of Parent-Child Relationship and Attachment with the Mediating Role of Experience of Usness

Norouzi A[1], *Monirpour N[2], Mirzahosseini H[3]

Author Address
1. PhD Student in Counseling, Consulting Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran;
2. Associate Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran;
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Corresponding Author Email: Monirpoor@qom-iau.ac.ir

Received: 2021 December 6; **Accepted:** 2022 January 8

Abstract

Background & Objectives: The stability of marriage is one of the indicators of a good married life. One of the most important factors that affect the family's stability, durability, and growth is the quality of the parent–child relationship. On the other hand, the experience of usness in couples' relationships is a fundamental component and can help make couples' relationships more flexible. Experience of usness is a fundamental change in individual consciousness that focuses on both parties (couples). Also, the initial experiences of each person cause the formation of a kind of attachment and have an important impact on the development of personality and behavior in adulthood. This study aimed to provide a model of marriage stability based on the quality of parental relationship and attachment with the mediating role of experience of usness.

Methods: The research method was analytical–correlational. The study's statistical population included all married university students in Qom branch, Islamic Azad University, Qom City, Iran, in the academic year 2020–2021. The study sample included 250 students who had been married for three years or more. They were selected by purposeful sampling. To measure the main variables of the research, we used the Marital Instability Index (Edwards et al., 1987), Quality of Parental Relationship Questionnaire (Sanaei et al., 2008), Attachment Subscale of Bell Object Relations Inventory (Bell et al., 1985), Marital Union Subscale of Family Triad Systemic Scale (Cheraghi et al., 2017). Data analysis was performed at a significance level of 0.05 using descriptive and inferential statistical methods (path analysis) in SPSS 27 and LISREL 8.8 statistical software.

Results: The quality of the parent's relationship with the stability of the marriage had a direct and significant effect (p=0.007, β=0.305). Attachment directly and significantly impacted the stability of marriage (p=0.015, β=0.220). Also, the bootstrapping results showed that experience of usness mediates the relationship between the quality of the parents' relationship quality (p=0.002, β=0.07) and attachment (p=0.016, β=0.052) with the stability of the marriage. The results showed that the research model fits the collected data, and the research conceptual model was confirmed (RMSEA=0.001, CFI=0.99, CFI=0.99, AGFI=0.98).

Conclusion: The quality of the parent–child relationship and attachment are effective factors in the stability of marriage, and experience of usness affects the effect of these factors on the stability of marriage. Therefore, to increase the stability of marriage, it is necessary to pay attention to the role of mediating variables such as the experience of usness.

Keywords: Marriage stability, Experience of usness, Secure attachment, Quality of parental relationship.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

Copyright © 2022, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۱؛ (۱۲):۲۳۱.

انتشار برخط اسفند ۱۴۰۱ مقاله پژوهشی اصیل

تعیین مدل پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربهٔ مایی

اعظم نوروزی[۱]، *نادر منیرپور[۲]، حسن میرزاحسینی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Monirpoor@qom-iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۵ آذر ۱۴۰۰؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۸ دی ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: پایداری ازدواج یکی از شاخص‌های زندگی زناشویی مناسب است. وجود یا نبود روابط زن و شوهری پایدار تأثیرات مثبت و منفی متعددی بر اعضای خانواده دارد. این پژوهش با هدف تعیین مدل پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربهٔ مایی انجام شد.

روش‌بررسی: روش تحقیق از نوع تحلیلی‌همبستگی بود. جامعهٔ آماری پژوهش را همهٔ دانشجویان متأهل واحد قم در سال تحصیلی ۱۴۰۰ـ۱۳۹۹ تشکیل دادند. نمونهٔ تحقیق، ۲۵۰ نفر از دانشجویان بودند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش از شاخص عدم ثبات زناشویی (ادواردز و همکاران، ۱۹۸۷)، خرده‌مقیاس اتحاد زناشویی مقیاس سیستمی‌ـ مثلثی خانواده (چراغی و همکاران، ۱۳۹۶)، پرسش‌نامهٔ کیفیت رابطهٔ والدین (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷) و خرده‌مقیاس دلبستگی پرسش‌نامهٔ روابط موضوعی بل (بل و همکاران، ۱۹۸۵) استفاده شد. تحلیل داده‌ها در سطح معناداری ۰/۰۵ با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (تحلیل مسیر) به‌کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخهٔ ۲۷ و LISREL نسخهٔ ۸/۸ انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، کیفیت رابطهٔ والدین (p=۰/۰۰۷، β=۰/۳۰۵) و دلبستگی (p=۰/۰۱۵، β=۰/۲۲۰) اثر مثبت و معناداری بر پایداری ازدواج داشتند. همچنین نتایج حاصل از روش بوت‌استراپ مشخص کرد، تجربهٔ مایی در رابطهٔ بین کیفیت رابطهٔ والدین (p=۰/۰۰۲، β=۰/۰۷) و دلبستگی (p=۰/۰۱۶، β=۰/۰۵۲) با پایداری ازدواج دارای نقش میانجیگری بود. شاخص‌های نکویی برازش (RMSEA=۰/۰۰۱، CFI=۰/۹۹، GFI=۰/۹۹، AGFI=۰/۹۸) نشان‌دهندهٔ برازش مطلوب مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری‌شده بود.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی از عوامل مؤثر پایداری ازدواج هستند و تجربهٔ مایی تأثیر این عوامل را بر پایداری ازدواج تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین به‌منظور افزایش پایداری ازدواج، توجه بر نقش متغیرهای واسطه‌ای ازجمله تجربهٔ مایی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: پایداری ازدواج، تجربهٔ مایی، دلبستگی ایمن، کیفیت رابطهٔ والدین.

حق انتشار محفوظ است © ۱۴۰۱، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار- غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

۱ مقدمه

یکی از شاخص‌های زندگی زناشویی مناسب، پایداری ازدواج[1] است (۱). این سازه در روابط زناشویی به‌عنوان باقی‌ماندن قانونی رابطهٔ ازدواج در یک خانواده (وجودنداشتن انحلال یا طلاق) در طول زمان تعریف می‌شود. پایداری ازدواج موضوع مهمی است که در هر ازدواج باید به آن توجه داشت؛ چراکه شناسایی عوامل آن باعث کاهش طلاق و افزایش پایداری و دوام در ازدواج می‌شود.

روابط زن و شوهری پایدار و رضایت‌بخش، ویژگی‌های مثبت بسیاری را نظیر سلامت روانی و سلامت جسمانی و رشد، برای اعضای خانواده به‌همراه دارد. این روابط زن و شوهری محیطی مساعد را برای فرزندان فراهم می‌آورد و نیز رشد و سلامتی اعضای خانواده را بهبود می‌بخشد (۲). ازسوی‌دیگر تعارضات زن و شوهری و جدایی تهدیدهایی اساسی برای زوجین محسوب می‌شود و پایداری و کیفیت ازدواج را با خطر مواجه می‌کند و موجب ایجاد پیامدهای منفی و نامطلوب جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. افزون‌براین، از نتایج یا پیامدهای نامطلوب برای بزرگسالان می‌توان به افسردگی و بهره‌وری ضعیف در کار اشاره کرد (۳). پایدارنبودن ازدواج برای فرزندان نیز عواقب نامطلوب زیادی به‌دنبال دارد. احتمال زیاد ابتلا به اختلالات شخصیتی، اضطراب، افسردگی و بزهکاری نوجوانی، بدرفتاری در مدرسه، ازدواج ناموفق و انتقال الگوهای تبادلی نافرجام زندگی والدین به نسل‌های جدید، مثال‌هایی از این پیامدها است.

درحالی‌که بعضی از ازدواج‌ها پس از مدت‌زمانی به جدایی منجر می‌شوند، تعداد زیادی از ازدواج‌ها نیز تا آخرین مرحله از چرخهٔ یک خانوادهٔ معمولی تداوم پیدا می‌کنند. توجه به اینکه چه عواملی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود، می‌تواند موجب ارائهٔ پیشنهادها یا راهکارهایی گردد که ازدواج و استحکام خانواده را پایدار کند. به‌بیانی دیگر، شناسایی این عوامل ازطریق پژوهش‌های علمی، به ثبات پیمان زناشویی کمک می‌کند و میزان انواع طلاق را در جامعه کاهش می‌دهد (۴).

از عوامل بسیار مهمی که بر ثبات و دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، کیفیت رابطهٔ والدین[2] است (۵). خانواده ساختار اولیه‌ای را فراهم می‌کند که درون آن کودک تولد می‌یابد، رشد می‌کند و پرورش می‌یابد و نوجوان از درون این ساختار راهی دوران بزرگسالی می‌شود. کیفیت روابط والدین با یکدیگر و روابط والدین و فرزندان عاملی اساسی برای سلامت فرزندان به‌شمار می‌رود. در این خصوص، نتایج پژوهش شادمانی نشان داد، میان رضایت زناشویی با سلامت خانوادهٔ پدری و میان رضایت زناشویی با رضایت زناشویی والدین رابطهٔ مثبت معنادار وجود دارد (۶). فینیچام و می در پژوهشی با بررسی نبود پایداری در روابط عاشقانه، یکی از دلایل نبود پایداری و ثبات در روابط رمانتیک را کیفیت روابط ضعیف مطرح کردند (۷). جمشیدی و همکاران دریافتند، بین باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی پیوند زناشویی رابطه وجود دارد (۸). فیاض صابری و همکاران نشان دادند، پایداری ازدواج براساس سازگاری زناشویی پیش‌بینی می‌شود (۳).

خانواده همچون مجموعه‌ای سازمان‌یافته با خرده‌سیستم‌های یکپارچه است و تعاملات درون آن چرخه‌ای بی‌وقفه از انواع کنش و واکنش را به جریان می‌اندازد که یا به رشد اعضا و افزایش کیفیت روابط آنان می‌انجامد یا در رشد و روابط آن‌ها اخلال ایجاد می‌کند. لی و همکاران دریافتند، فارغ از جدایی یا ادامهٔ ازدواج والدین، مشکلات هیجانی، رفتاری، اجتماعی، تحصیلی و نیز روابط بین‌فردی در آینده، متأثر از تعارض[3] بین والدین است. تعارض میان والدین اگر همراه با خشونت کلامی و جسمانی هم نباشد، با ایجاد محیطی ناخوشایند، در درازمدت سلامت روانی و رشد طبیعی فرزندان و روابط آن‌ها را در آینده با مخاطره و چالش مواجه می‌سازد (۹).

متغیر دیگری که می‌تواند با پایداری ازدواج ارتباط داشته باشد، دلبستگی[4] است. تجربیات اولیهٔ هر فردی، تأثیر مهمی بر رشد شخصیت و رفتار او در دوران بزرگسالی دارد. از نمونهٔ این‌گونه تجربه‌ها می‌توان ارتباطی عاطفی و احساسی قوی با مراقب اولیه را نام برد. رابطهٔ عاطفی قوی و توأم با احساس امنیتی که بین کودک و مراقب وی به‌وجود می‌آید، دلبستگی نامیده می‌شود (۱۰). هوانگ و همکاران پژوهشی در زمینهٔ دلبستگی والدین، دلبستگی عاشقانه و رضایت زناشویی در زوج‌های غیرهمجنس‌گرای تایوانی و تایلندی انجام دادند. نتیجهٔ پژوهش نشان داد، سبک‌های دلبستگی می‌تواند با پایداری ازدواج در زوجین رابطهٔ معناداری داشته باشد (۱۰). ازسوی‌دیگر رفاهی در پژوهشی مشخص کرد، بین سبک‌های دلبستگی و تعارضات زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد (۱۱). همین نتیجه در پژوهش محمد شارونی و همکاران که به‌روش مدل‌سازی انجام گرفت، مشاهده شد. (۱۲).

از عوامل مؤثر بر پایداری ازدواج می‌توان به تجربهٔ مایی[5] اشاره کرد (۱۳). رابطهٔ متقابل من ـ تو برای اولین‌بار در فلسفهٔ کانت[6] مطرح شد و سپس به رابطهٔ مایی تبدیل گردید. در تشریح تجربهٔ مایی می‌توان گفت، ربط عاطفی بین دو نفر به‌محض مواجهه به این شکل اتفاق می‌افتد که من به حال تو نزدیک می‌شوم و تجربه و حس تو را تجربه و درک می‌کنم و این درک را به روشن‌ترین وجه ممکن به تو نشان می‌دهم و این انعکاس، رنج و درد را در تو کاهش می‌دهد. سپس پیوند افزایش می‌یابد و رضایتمندی از تو به من برمی‌گردد و یک نوع تبادل صورت می‌گیرد. من وقتی این رضایت را دریافت کرد، درد و رنج کاهش می‌یابد و باز این چرخه ادامه پیدا می‌کند و این مسئله در آخر منجربه تجربهٔ مایی می‌شود (۱۴). پژوهش گیلدرسلیو و همکاران مشخص کرد، زوجینی که از تجربهٔ مایی بهره‌مند هستند، رابطهٔ متقابل و صمیمی دارند. این امر موجب می‌شود تا زوجین دارای احساس مثبت در روابط خود باشند و از روابط خود رضایت بیشتری داشته باشند و سلامت روان در آن‌ها افزایش یابد (۱۵). اسکرت در پژوهشی نشان داد، تجربهٔ مایی باعث ثبات و تاب‌آوری زناشویی در زوجین می‌شود (۱۶).

مطابق با آمارهای ثبت احوال و مرکز آمار ایران، آمار طلاق از سال ۱۳۸۸ تابه‌حال رو به افزایش بوده است؛ به‌طوری‌که آمار طلاق هر سال

[1]. Marriage stability
[2]. Quality of parental relationship
[3]. Conflict
[4]. Attachment
[5]. Experience of usness
[6]. Kant

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

حدود ۱۵درصد رشد داشته است (به‌نقل از ۱۷). طلاق به‌معنای ناپایداری ازدواج و ناکارآمدی خانواده است. به‌نظر برخی محققان، با گسترش نگرانی از گسستگی در روابط زناشویی، شناسایی و فهم متغیرهایی که زوجین را درمقابل فرایند فروپاشی و جدایی حفظ می‌کند، موضوعی مهم و درخورتوجه به‌شمار می‌رود؛ بنابراین تمرکز بر عوامل پایداری در روابط زناشویی به‌جای تمرکز بر عوامل آسیب‌زا مدنظر محققان این حوزه است.

نکتهٔ مهم دیگر درخصوص پایداری ازدواج، تأثیرپذیری آن از بافت فرهنگی و مذهبی است. به‌نظر می‌رسد عوامل ازدواج پایدار در ایران، به‌لحاظ فرهنگی و مذهبی می‌تواند متفاوت از بافت فرهنگی ازدواج در غرب باشد؛ زیرا فرهنگ ایرانی‌اسلامی بر پایداری ازدواج تأکید دارد و خانواده‌محور است (۱۷). به‌همین دلیل و باتوجه به آمار روزافزون طلاق در سال‌های اخیر و آسیب‌ها و ناتوانی‌های ناشی‌از آن بر اعضای خانواده و کل جامعه، نیاز به انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه احساس می‌شود. ازسوی‌دیگر باتوجه به اهمیت هریک از متغیرهای سبک‌های دلبستگی، کیفیت رابطهٔ والدین و تجربهٔ مایی در پایداری ازدواج و ازآنجاکه باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده، ترکیب مدل حاضر تاکنون تحقیق نشده است، مسئلهٔ پایداری ازدواج در تحقیق حاضر به‌عنوان چالش در نظر گرفته شد که برای رفع آن، ارتباط کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربهٔ مایی در قالب یک مدل بررسی شد؛ ازاین‌رو الگوی پیشنهادی می‌تواند بستر و زمینهٔ لازم را برای طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای کارآمد به‌منظور ارتقای پایداری ازدواج فراهم کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تعیین مدل پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با میانجیگری تجربهٔ مایی انجام شد.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر در ردهٔ تحقیقات تحلیلی‌همبستگی قرار داشت. جامعهٔ آماری را همهٔ دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم با حداقل سابقهٔ سه سال زندگی مشترک در سال تحصیلی ۱۴۰۰ـ ۱۳۹۹ تشکیل دادند. حجم نمونه باتوجه به قاعدهٔ سرانگشتی هر پارامتر، بیست نفر انتخاب شد (۱۸). به‌دلیل وجود دوازده پارامتر در مدل پژوهش (۲۴۰=۲۰×۱۲)، ۲۵۰ دانشجوی متأهلی که سه سال و بیشتر از زمان ازدواج آن‌ها می‌گذشت، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به‌علت مقابله با افت شرکت‌کنندگان حجم نمونه ده نفر بیشتر در نظر گرفته شد. قبل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، ملاحظات اخلاقی ازجمله آگاه‌کردن افراد شرکت‌کننده در تحقیق حاضر از اهداف پژوهش و داوطلبانه‌بودن شرکت در پژوهش لحاظ شد و به‌منظور رعایت محرمانه‌بودن نتایج، نوشتن نام و نام خانوادگی اختیاری بود.

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش ابزارهای زیر به‌کار رفت.

ـ شاخص عدم ثبات زناشویی[1]: برای سنجش میزان پایداری ازدواج از شاخص عدم ثبات زناشویی استفاده شد. ادواردز و همکاران در سال ۱۹۸۷ این پرسش‌نامه را ساختند (۱۹). پرسش‌نامه دارای چهارده گویه است و نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت چهاردرجه‌ای (۱=هرگز، ۲=گاهی، ۳=اغلب اوقات، ۴=همیشه) انجام می‌شود. نمرهٔ بیشتر نشان‌دهندهٔ ثبات زناشویی کمتر است (۱۹). در پژوهش ادواردز و همکاران روایی همگرای پرسش‌نامه ازطریق ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد و رابطهٔ آن با میزان جدایی و طلاق ۰/۸۰ بود و پایایی آن در نمونه‌ای ۲۰۳۴ نفری ازطریق آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شد (۱۹). پایایی و روایی این آزمون در ایران توسط یاری‌پور روی پنجاه زوج متقاضی طلاق در محاکم دادگستری استان قم (گروه آزمایش) و پنجاه زوج غیرارجاعی براساس احتمال طلاق زیاد (گروه کنترل) بررسی شد و شاخص پایایی آن در کل نمونه با ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به‌دست آمد (به‌نقل از ۳). روایی افتراقی پرسش‌نامه نیز در پژوهش قزلسفلو و هاشمی ازطریق ارتباط منفی آن با مقیاس سازگاری زناشویی به‌تأیید رسید (۲۰).

ـ پرسش‌نامهٔ کیفیت رابطهٔ والدین: ثنایی و همکاران در سال ۱۳۸۷ این ابزار را ساختند و برای آزمودن اثرات مشاوره‌ای تقابل طراحی شد که رویکردی رفتاری در مشاورهٔ زناشویی است. پرسش‌نامه دارای ده گویه در طیف لیکرت ده‌درجه‌ای (از کاملاً نامطلوب=۱ تا کاملاً مطلوب=۱۰) است. دامنهٔ نمرات کل مقیاس بین ۱۰تا۱۰۰ است و برای به‌دست‌آوردن شاخص کلی می‌توان کل سؤالات را جمع کرد (به‌نقل از ۲۱). در زمینهٔ اعتبار این پرسش‌نامه، پژوهش ثنایی و همکاران نشان داد، زن و شوهرهایی که از وجود آن‌ها برای ساختن مقیاس استفاده شده است، ابتدا در مشاورهٔ برون‌ریزی و سپس در مشاورهٔ تقابل شرکت کرده‌اند. نمرات آزمودنی‌ها تحت مشاورهٔ برون‌ریزی کمتر از نمرات آن‌ها در خلال مشاورهٔ تقابل بود؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد این ابزار برای اندازه‌گیری متغیر مدنظر حساس است و این شاهدی بر روایی ابزار محسوب می‌شود. پایایی پرسش‌نامه نیز برابر ۰/۹۵ گزارش شد (به‌نقل از ۲۱).

ـ پرسش‌نامهٔ روابط موضوعی بل[2]: برای سنجش دلبستگی در پژوهش حاضر از پرسش‌نامهٔ روابط موضوعی بل ساخته‌شده توسط بل و همکاران در سال ۱۹۸۵استفاده شد. این پرسش‌نامه بخشی از پرسش‌نامهٔ نودگزینه‌ای روابط موضوعی و واقعیت‌سنجی بل است (۲۲). در تحقیق حاضر فقط از خرده‌مقیاس دلبستگی (۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۴۵) این پرسش‌نامه استفاده شد. نحوهٔ پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه به این شکل است که برمبنای راهنمای ارائه‌شده آزمودنی برای هریک از سؤالات پاسخ صحیح یا غلط (۱ و صفر) را انتخاب می‌کند. برحسب کلید پرسش‌نامه، گزینهٔ صحیح نمرهٔ ۱ می‌گیرد و برای برخی دیگر گزینهٔ غلط نمرهٔ ۱ می‌گیرد، جمع نمرات سؤالات مربوط به هر خرده‌مقیاس نمرهٔ فرد را در هریک از آن‌ها مشخص می‌کند. نمرات بیشتر نشان‌دهندهٔ دلبستگی ایمن است (۲۲). بل دربارهٔ پایایی و روایی پرسش‌نامه گزارش کرد، ابزار مذکور از این لحاظ که توانایی تفکیک جمعیت بالینی افراد دارای اختلال شخصیت مرزی را دارد، از درجهٔ خوبی از اعتبار تفکیکی برخوردار است. همچنین از لحاظ همبستگی زیاد آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی همچون مقیاس درجه‌بندی علائم مختصر

[1]. Marital Instability Index (MII)

[2]. Bell Object Relations Inventory

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

روان‌پزشکی[1]، اعتبار هم‌زمان پذیرفتنی را برای آن برآورد کرد (۲۳). بررسی روایی و پایایی این پرسش‌نامه در ایران توسط هادی‌نژاد و همکاران صورت گرفت. آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس دلبستگی مقدار ۰/۷۴ گزارش کردند. روایی همگرای پرسش‌نامه نیز ازطریق ارتباط معنادار آن با مؤلفه‌های پرسش‌نامهٔ نودسؤالی علائم فرم بازنگری‌شده[2] (SCL-90-R) به‌تأیید رسید. دامنهٔ ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های دو پرسش‌نامه بین ۰/۳۱۶ تا ۰/۶۸۰ بود (۲۴). در پژوهش مسگریان و همکاران، روایی همگرا و واگرای پرسش‌نامه ازطریق محاسبهٔ همبستگی پیرسون با سطوح سازوکارهای دفاعی تأیید شد (۲۵).

ـ مقیاس سیستمی ـ مثلثی خانواده[3]: این مقیاس توسط چراغی و همکاران در سال ۱۳۹۶ طراحی شد (۲۶). در این پژوهش برای سنجش تجربهٔ مایی، از خرده‌مقیاس اتحاد زناشویی این مقیاس استفاده شد. خرده‌مقیاس اتحاد زناشویی هفده سؤال دارد و طیف نمره‌گذاری آن براساس لیکرت پنج‌گزینه‌ای است. سؤالات ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. به‌منظور به‌دست‌آوردن امتیاز کلی خرده‌مقیاس مجموع امتیازات تک‌تک سؤالات محاسبه می‌شود. امتیازات کلی بیشتر نشان‌دهندهٔ اتحاد زناشویی بیشتر پاسخ‌دهنده با همسرش خواهد بود و برعکس (۲۶). در پژوهش چراغی و همکاران، روایی صوری و محتوایی مقیاس با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید سنجش و تأیید شد. با استفاده از تحلیل عاملی نیز روایی سازهٔ آن به‌تأیید رسید. برای محاسبهٔ پایایی خرده‌مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتیجه ۰/۹۵ بود (۲۶). مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ آورده شده است.

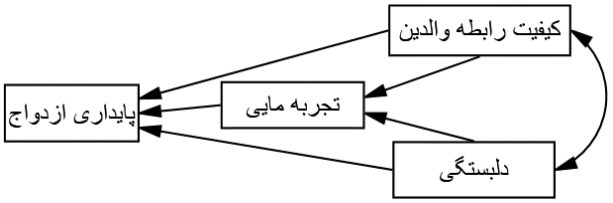

شکل ۱. مدل مفهومی پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربهٔ مایی

در این تحقیق، شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد برای خلاصه‌کردن و توصیف اطلاعات به‌کار رفت. همچنین برای بررسی پیش‌فرض‌ها و در بخش آمار استنباطی از شاخص‌های کجی و کشیدگی، آزمون کولموگروف‌اسمیرنف[4]، شاخص مردیا[5]، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون آماری تحلیل مسیر[6] به‌روش بیشینهٔ درست‌نمایی[7] در نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخهٔ ۲۷ و LISREL نسخهٔ ۸/۸ استفاده شد. شاخص‌های نکویی برازش نیز شامل مجذورکای، شاخص نسبت مجذورکای به درجهٔ آزادی (χ^2/df)، شاخص مجذور میانگین مربعات خطای تقریب[8] (RMSEA)، شاخص نکویی برازش[9] (GFI)، شاخص نکویی برازش تعدیل‌یافته[10] (AGF) و شاخص برازش تطبیقی[11] (CFI) بود. مقدار پذیرفتنی برای مجذورکای احتمال بیشتر از ۰/۰۵، شاخص نسبت مجذورکای به درجهٔ آزادی (χ^2/df) کوچک‌تر از ۳، شاخص مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) کوچک‌تر از ۰/۰۸ و شاخص‌های GFI و AGFI و CFI بیشتر از ۰/۹۰ است (۲۷).

۳ یافته‌ها

حجم نمونهٔ نهایی تحقیق حاضر، ۲۵۰ نفر بود. از این تعداد ۱۶۰ نفر (۶۴درصد) زن و ۹۰ نفر (۳۶درصد) مرد بودند. از لحاظ سنی، ۴۴ نفر (۱۷/۵درصد) کمتر از ۲۵ سال، ۳۴ نفر (۱۳/۵درصد) بین ۲۵تا۳۰ سال، ۵۸ نفر (۲۳/۱درصد) بین ۳۱تا۳۵ سال و ۱۱۱ نفر (۴۴/۶درصد) بیشتر از ۳۶ سال سن داشتند. تعداد ۳ نفر نیز وضعیت سنی خود را مشخص نکردند. از نظر سطح تحصیلات ۱۰۰ نفر (۳۹/۷درصد) دانشجوی کارشناسی و ۵۹ نفر (۲۳/۷درصد) دانشجوی کارشناسی‌ارشد و ۹۱ نفر (۳۶/۶درصد) دانشجوی دکترا بودند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص‌های متغیرهای اصلی پژوهش (n=۲۵۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر	K-S	مقدار احتمال
پایداری ازدواج	۲۳/۰۰	۷/۸۰۵	۰/۹۷۶	۰/۴۳۸	۱۴	۵۶	۰/۱۱۳	۰/۰۸۸
کیفیت رابطهٔ والدین	۷۰/۹۸	۲۱/۱۵۳	ـ۱/۲۰۶	۰/۸۵۲	۱۰	۱۰۰	۰/۱۱۴	۰/۲۰۰
دلبستگی	۵/۱۹	۲/۹۸۸	۰/۶۲۴	ـ۰/۱۸۹	۰	۱۲	۰/۱۱۸	۰/۱۹۹
تجربهٔ مایی	۵۵/۴۹	۸/۶۸۸	۰/۱۳۵	۰/۳۳۲	۱۷	۷۳	۰/۱۴۰	۰/۰۵۷

برطبق داده‌های گزارش‌شده در جدول ۱، میانگین نمرهٔ کل پایداری ازدواج به‌عنوان متغیر وابستهٔ اصلی، ۲۳/۰۰ با انحراف معیار ۷/۸۰

1. Brief Psychiatric Rating Scale (BPRS)
2. Symptom Checklist-90-Revised
3. Family Triad Systemic Scale
4. Kolmogorov-Smirnov (K-S)
5. Mardia value
6. Path analysis
7. Maximum likelihood
8. Root mean square error of approximation
9. Goodness of fit
10. Adjusted goodness of fit index
11. Comparative fit index

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

بود. شاخص‌های کجی و کشیدگی نمرهٔ کل متغیرهای اصلی پژوهش نیز در دامنهٔ ۱+ تا ۱ـ قرار داشت. همچنین مقادیر احتمال (p) آزمون کولموگروف‌اسمیرنف (K-S) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود و نتایج هر دو روش، نرمال‌بودن توزیع داده‌ها را نشان داد.

نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش در جدول ۲ و برآورد ضرایب استاندارد مسیر بین متغیرها در شکل ۲ ارائه شده است. قبل از انجام آزمون تحلیل مسیر، پیش‌فرض‌های آن شامل نرمال‌بودن تک‌متغیری داده‌ها ازطریق شاخص‌های کجی و کشیدگی (۱ـ تا ۱+) و آزمون کولموگروف‌اسمیرنف، نرمال‌بودن چندمتغیری داده‌ها با استفاده از شاخص استانداردشدهٔ مردیا (کمتر از ۳)، خطی‌بودن رابطهٔ بین متغیرها ازطریق نمودار پراکندگی[1]، نبود هم‌خطی با استفاده از ضرایب همبستگی بین متغیرها (کمتر از ۰/۶۰) و حجم نمونهٔ مناسب با استفاده از قاعدهٔ سرانگشتی بیست نمونه برای هر پارامتر بررسی و تأیید شد. پس از بررسی و تأیید وجود مفروضه‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل مفروض پژوهش به‌شرح زیر برازش شد.

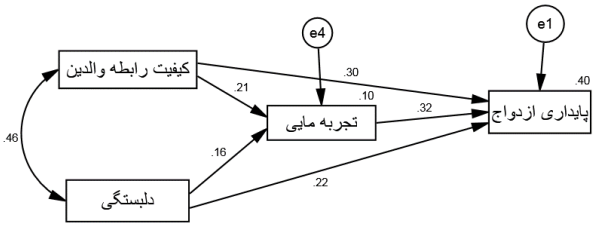

شکل ۲. مدل تحلیل مسیر رابطهٔ کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج در حالت بتای استاندارد

در جدول ۲، شاخص‌های نکویی برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های نکویی برازش مدل پژوهش

شاخص‌های برازندگی	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
مدل پژوهش	۱	۱	۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹

شاخص‌های نکویی برازش مدل اولیه در جدول ۲ نشان می‌دهد که همهٔ شاخص‌های نکویی برازش از مقادیر پذیرفتنی برخوردار است و میزان برازش مدل در سطح عالی قرار دارد؛ بنابراین برازش مدل تحقیق به‌تأیید رسیده است و فرضیهٔ اصلی تحقیق تأیید می‌شود.

در جدول ۳ معناداری ضرایب غیراستاندارد ارائه شده است.

جدول ۳. معناداری ضرایب غیراستاندارد مسیر بین متغیرهای کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج

از متغیر	به متغیر	برآورد غیراستاندارد (b)	خطای معیار	مقدار بحرانی	مقدار احتمال
دلبستگی	تجربهٔ مایی	۰/۴۵۳	۰/۱۶۹	۲/۶۷۷	۰/۰۰۷
کیفیت رابطهٔ والدین	تجربهٔ مایی	۰/۰۸۵	۰/۰۲۴	۳/۵۸۹	<۰/۰۰۱
دلبستگی	پایداری ازدواج	۰/۵۴۲	۰/۱۲۲	۴/۴۳۹	<۰/۰۰۱
کیفیت رابطهٔ والدین	پایداری ازدواج	۰/۱۰۵	۰/۰۱۷	۶/۱۰۱	<۰/۰۰۱
تجربهٔ مایی	پایداری ازدواج	۰/۲۸۳	۰/۰۴۰	۷/۰۶۸	<۰/۰۰۱

همان‌گونه که از یافته‌های مندرج در جدول ۳ مشاهده می‌شود، همهٔ ضرایب مسیر به پایداری ازدواج معنادار است (p<۰/۰۱).

برای بررسی نقش میانجی متغیر تجربهٔ مایی در رابطهٔ بین کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج، ضرایب مستقیم و غیرمستقیم و کل بین این متغیرها ازطریق روش بوت‌استراپ[2] (خودگردان‌سازی) محاسبه شدند. ضرایب مذکور در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. اثرات استاندارد مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیرهای برون‌زا (کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی) بر متغیر درون‌زا (پایداری ازدواج)

اثر	مسیرها	مقدار β	حد کمتر	حد بیشتر	مقدار احتمال
مستقیم	کیفیت رابطهٔ والدین ـ پایداری ازدواج	۰/۳۰۵	۰/۲۱۷	۰/۳۹۳	۰/۰۰۷
	دلبستگی ـ پایداری ازدواج	۰/۲۲۰	۰/۱۲۲	۰/۳۱۱	۰/۰۱۵
غیرمستقیم	کیفیت رابطهٔ والدین ـ تجربهٔ مایی ـ پایداری ازدواج	۰/۰۷۰	۰/۰۳۷	۰/۱۳۷	۰/۰۰۲
	دلبستگی ـ تجربهٔ مایی ـ پایداری ازدواج	۰/۰۵۲	۰/۰۱۴	۰/۰۹۲	۰/۰۱۶
کل	کیفیت رابطهٔ والدین ـ تجربهٔ مایی ـ پایداری ازدواج	۰/۳۷۴	۰/۲۸۱	۰/۴۵۷	۰/۰۰۷
	دلبستگی ـ تجربهٔ مایی ـ پایداری ازدواج	۰/۲۷۲	۰/۱۸۱	۰/۳۷۱	۰/۰۱۰

[1]. Scatterplot Matrice

[2]. Bootstrapping

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

براساس داده‌های جدول ۴، ضریب مسیر مستقیم بین کیفیت رابطهٔ والدین با پایداری ازدواج (p=۰/۰۰۷، β=۰/۳۰۵) و ضریب مسیر مستقیم بین دلبستگی با پایداری ازدواج (p=۰/۰۱۵، β=۰/۲۲۰) در مدل پژوهش معنادار بود. همچنین نتایج نشان داد، ضریب مسیر غیرمستقیم بین کیفیت رابطهٔ والدین با پایداری ازدواج ازطریق متغیر وابستهٔ میانی (تجربهٔ مایی) معنادار بود (p=۰/۰۰۲، β=۰/۰۷۰) و ضریب مسیر غیرمستقیم بین دلبستگی با پایداری ازدواج ازطریق متغیر وابستهٔ میانی (تجربهٔ مایی) معنادار بود (p=۰/۰۱۶، β=۰/۰۵۲). باتوجه به نتایج می‌توان استنباط کرد که تجربهٔ مایی رابطهٔ بین کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی را با پایداری ازدواج میانجیگری می‌کند.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین مدل پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربهٔ مایی انجام شد. نتایج نشان داد، مدل ارائه‌شده با داده‌های تجربی جمع‌آوری‌شده برازش داشته است. همهٔ روابط ترسیم‌شده بین متغیرهای اصلی در مدل تحقیق از نظر آماری معنادار بودند. مقایسهٔ نتایج حاصل از این پژوهش با یافته‌های تحقیقات قبلی، حاکی‌از همسویی نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های تحقیقات قبلی است.

براساس نتایج پژوهش حاضر، ضریب مسیر اصلی بین کیفیت رابطهٔ والدین با پایداری ازدواج در مدل از نظر آماری معنادار بود. این یافته با نتایج پیشین همخوان است. نتایج پژوهش شادمانی مشخص کرد، بین رضایت زناشویی افراد با سلامت خانوادهٔ پدری آن‌ها ارتباط وجود دارد (۶). لی و همکاران نشان دادند، روابط زناشویی بر سلامت روانی فرزندان تأثیر می‌گذارد (۹). در تبیین این یافته پژوهش حاضر می‌توان اذعان کرد که ازدواج یا پیوند زناشویی پیمانی است که به‌موجب آن به‌شکل عمومی یک زن و مرد باهم شریک و متحد می‌شوند و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند. درواقع هدف ازدواج تشکیل خانواده بوده که تمایل به این امر در نهاد انسان گذاشته شده است. ازدواج مناسب می‌تواند پایداری مطمئنی را برای ادامهٔ زندگی مشترک ایجاد کند و یکی از عوامل ازدواج پایدار و مناسب خانواده تعاملات درون آن خانواده به‌خصوص تعامل بین پدر و مادر است. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی بر نفوذ والدین در شکل‌گیری رفتار فرزندان تأکید دارند. به این ترتیب سلامت محیط خانوادهٔ اصلی و محتوای یادگیری‌های اتفاق‌افتاده در بستر آن خانواده، اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین می‌توان بیان کرد، والدین سالم، خانواده‌های سالم را می‌سازند و خانواده‌های سالم، جامعهٔ سالم را ایجاد می‌کنند (۲۸)؛ درنتیجه زمانی که فردی در بستر خانواده‌ای سالم پرورش می‌یابد، به‌احتمال زیاد از لحاظ روان‌شناختی و عاطفی رشد مناسبی دارد و به بلوغ لازم خواهد رسید تا بتواند فرد دیگری را وارد زندگی خود کند و تشکیل خانواده‌ای جدید دهد. این مسئله همانند حلقه‌های زنجیر به همدیگر متصل است و پایداری یک ازدواج و رابطه می‌تواند به تشکیل خانواده‌ای پایدار کمک کند و فرزندانی که در این بستر رشد می‌کنند به رشد کافی برسند.

در همین راستا اما از جنبه‌ای دیگر در پژوهش فینچام و می مشخص شد، یکی از علل اصلی ناپایداری ازدواج، کیفیت ضعیف روابط بین زوج‌ها است (۷). همین یافته به‌نوعی در پژوهش جمشیدی و همکاران نیز مشاهده شد و رابطهٔ معناداری بین باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی پیوند زناشویی به‌دست آمد (۸). نتیجهٔ حاصل از این پژوهش با یافتهٔ پژوهش فیاض صابری و همکاران در یک راستا قرار می‌گیرد. فیاض صابری و همکاران نشان دادند، سازگاری زناشویی می‌تواند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند و تعارضات زناشویی یکی از علل بی‌ثباتی ازدواج محسوب می‌شود (۳).

در تبیین رابطهٔ بین کیفیت روابط والدین با بی‌ثباتی ازدواج می‌توان از رویکرد نظریهٔ سیستمی نیز بهره گرفت. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه کیفیت رابطهٔ بین والدین بر ماهیت ارتباط بین و درون دیگر خرده‌سیستم‌های خانواده تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. همچنین رویکرد مذکور به تبیین چرایی این احتمال می‌پردازد که آشفتگی در رابطهٔ درون خانواده (مثل رابطهٔ دوسویهٔ زناشویی) بر دیگر روابط درون سیستم (روابط دوسویهٔ والد_فرزند) تأثیر منفی و نامطلوب دارد (۲۹). یک الگوی رابطه‌ای بدکارکرد در خانواده مثلث‌سازی[1] است که طی آن واردکردن فرزند به درگیری بین والدین، به‌منظور فرونشاندن تنش و بازگرداندن ثبات به خرده‌سیستم زناشویی دچار استرس می‌تواند به تأثیر منفی تعارضات زناشویی بر فرزندان دامن بزند و روابط فرزندان با همسرانشان را در آینده تحت‌تأثیر خود قرار دهد (۳۰).

همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر، ضریب مسیر اصلی بین دلبستگی با پایداری ازدواج در مدل از نظر آماری معنادار بود. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات پیشین همخوان است. نتایج پژوهش هوانگ و همکاران نشان‌دهندهٔ ارتباط معنادار بین سبک‌های دلبستگی و پایداری ازدواج در زوج‌های تایوانی و تایلندی بود (۱۰). درحقیقت افراد دارای سبک دلبستگی ایمن دارای والدینی هستند که بدون قید و شرط به آن‌ها آرامش می‌دهند. آن‌ها به کودکان خود کمک می‌کنند که به کاوشگری بپردازند، درقبال خواسته‌های آنان پاسخ‌گو هستند، فضایی امن برایشان فراهم می‌کنند تا به تمرین مهارت‌های جرئت‌ورزی و ابراز وجود بپردازند و هیچ‌یک از نیازهای آن‌ها مبنی‌بر نشان‌دادن مهارت‌ها و توانایی‌هایشان با محدودیت و سرکوبی و ممانعت روبه‌رو نمی‌شود (۳۱)؛ بنابراین افراد در فضایی کاملاً مطلوب به رشد عزت‌نفس سالم می‌پردازند و این دسته از انسان‌ها، به پرورش سطوح بالای عزت‌نفس گرایش دارند؛ درحالی‌که کودکان با دلبستگی ناایمن بیشتر، دربرابر مشکلات روان‌شناختی و ارتباطی آسیب‌پذیر هستند.

در همین زمینه پژوهش رفاهی مشخص کرد، سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی رابطهٔ معنادار دارند (۱۱). محمد شارونی و همکاران در تحقیق خود رابطهٔ سبک‌های دلبستگی را با تعارضات زناشویی تأیید کردند (۱۲). در توضیح این یافتهٔ پژوهشی می‌توان این‌گونه استنباط کرد که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن به دیگران اعتماد نمی‌کنند و همیشه نوعی فاصلهٔ هیجانی را از دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند. همچنین باتوجه به این امر که افراد مذکور در دوران کودکی روابط پایدار و باثباتی با والد خود نداشته‌اند و مادر خویش را به‌عنوان پایگاهی امن ندانسته‌اند، بعدها ویژگی‌هایی را از خود

[1]. Triangulation

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

نشان می‌دهند که پایداری ازدواج را ازطریق تعارضات زناشویی با مشکلاتی مواجه می‌سازد (۳۲).

درنهایت نتایج مشخص کرد، متغیر تجربهٔ مایی در رابطهٔ بین کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج نقش میانجی دارد و این یافته هماهنگ با نتایج پیشین است. گیلدرسلیو و همکاران دریافتند، زوجینی که از تجربهٔ مایی بهره‌مند هستند، رابطهٔ متقابل و صمیمی دارند. این امر موجب می‌شود زوجین دارای احساس مثبت در روابط خود باشند و از روابط خود رضایت بیشتری داشته باشند و سلامت روان و پایداری ازدواج در آن‌ها افزایش یابد (۱۵). همچنین در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد، در تجربهٔ مایی افشاگری شخصی همراه با تأکید بر پذیرش و احترام وجود دارد. به‌همین دلیل، تجربهٔ مایی که نیاز به بستری امن برای نزدیک‌شدن به همدیگر و به‌اشتراک گذاشتن همدیگر دارد، به‌احتمال زیاد ارتباط بین این دو متغیر را باتوجه به نوع سبک دلبستگی ناایمن و ایمن تعدیل یا ارتقا می‌بخشد (۳۳). اسکرت در پژوهشی نشان داد، تجربهٔ مایی باعث ثبات و تاب‌آوری زناشویی می‌شود (۱۶). در توضیح این امر می‌توان گفت، اگر در افراد سبک دلبستگی ناایمن تاحدودی شکل گرفته باشد، اما افراد در زندگی مشترک خود به درک درستی از تجربهٔ مایی دست یابند، قادر هستند با کنار هم بودن از پس این سبک ناایمن برآیند و پایداری ازدواج را تقویت کنند؛ بنابراین تجربهٔ مایی می‌تواند تأثیرات سبک دلبستگی در پایداری را تحت‌تأثیر قرار دهد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع طرح پژوهش اشاره کرد که اصولاً از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت وجود داشت. همچنین محدودیت دیگر در انتخاب روش نمونه‌گیری به‌دلیل شرایط همه‌گیری ویروس کرونا بود.

باتوجه به آنکه فضای دانشگاه‌ها دارای نقاط قوت برای برگزاری کارگاه‌های مختلف در زمینهٔ پایداری ازدواج است، پیشنهاد می‌شود برای ارتقای این متغیر مهم و نیز شناساندن هرچه بهتر اهمیت آن برنامه‌ریزی صورت گیرد و با حضور والدین و دانشجویان، اهمیت متغیرهای کیفیت رابطهٔ والدین، دلبستگی و به‌ویژه تجربهٔ مایی در افزایش پایداری ازدواج بهتر به آن‌ها توضیح داده شود. همچنین توصیه می‌شود کارگاه‌ها و برنامه‌های کاربردی برای شناساندن انواع سبک‌های دلبستگی و ارتقای کیفیت رابطهٔ والدین برای همهٔ افراد متأهل جامعه برگزار شود تا با آموزش به آن‌ها، پایداری ازدواج در سطح جامعه افزایش یابد.

۵ نتیجه‌گیری

تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا و بانشاط لازمهٔ وجود جامعه‌ای سالم است. افزایش پایداری در ازدواج موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روانی و عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و همچنین کل جامعه کاهش یابد. عوامل متعددی در پایداری ازدواج مؤثر است. براساس نتایج تحقیق حاضر، کیفیت رابطهٔ والدین و دلبستگی از عوامل مؤثر پایداری ازدواج هستند و تجربهٔ مایی تأثیر این عوامل را بر پایداری ازدواج تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین به‌منظور افزایش پایداری ازدواج، توجه به نقش متغیرهای واسطه‌ای ازجمله تجربهٔ مایی ضروری است.

۶ تشکر و قدردانی

از همهٔ شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و تمامی افرادی که در اجرای این پژوهش ما را یاری کردند، سپاسگزاریم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکترای مشاورهٔ دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش باجلب رضایت آگاهانهٔ شرکت‌کنندگان صورت گرفت و دربارهٔ محرمانه‌بودن نتایج به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد. پژوهش حاضر دارای کد اخلاق از واحد قم به شمارهٔ IR.IAU.QOM.1400/032 است.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس‌بودن داده‌ها

داده‌های آماری نتایج گزارش‌شده در مقاله، به‌صورت فایل نرم‌افزارهای آماری اکسل و SPSS ذخیره شده است و نزد نویسندهٔ مسئول حفظ خواهد شد.

تضاد منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله هیچ تعارض منافعی ندارد.

منابع مالی

همهٔ منابع مالی از هزینه‌های شخصی بوده و توسط هیچ نهاد یا سازمانی حمایتی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همهٔ نویسندگان در طراحی، روش‌شناسی، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

References

1. Piao X, Ma X, Zhang C, Managi S. Impact of gaps in the educational levels between married partners on health and a sustainable lifestyle: evidence from 32 countries. Sustainability. 2020;12(11):4623. https://doi.org/10.3390/su12114623
2. Irastorza N. Sustainable marriages? Divorce patterns of binational couples in Europe versus North America. Ethnicities. 2016;16(4):649–83. https://doi.org/10.1177/1468796816638403
3. Fayyaz Saberi MH, Toozandehjani H, Samari AA, Nejat H. Predicting marriage stability based on marital adjustment and sexual self-disclosure by the mediating role of emotional intelligence. Research in Clinical Psychology and Counseling. 2020;9(2):56–70. [Persian] https://doi.org/10.22067/ijap.v9i2.81087

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

4. Cobbinah JE, Osei-Tutu EM. Pre–marital counselling and sustainability of marriages in contemporary Ghanaian society. International Journal of Political Activism and Engagement. 2019;6(1):52–64. https://doi.org/10.4018/IJPAE.2019010104
5. Goldberg JS, Carlson MJ. Parents' relationship quality and children's behavior in stable married and cohabiting families. J Marriage Fam. 2014;76(4):762–77. https://doi.org/10.1111/jomf.12120
6. Shademani F. Predicting marital satisfaction based on parental marital satisfaction and healthy family–of–origin. Quarterly Journal of Family and Research. 2020;17(1):145–63. [Persian] https://qjfr.ir/article-1-1421-en.pdf
7. Fincham FD, May RW. Infidelity in romantic relationships. Curr Opin Psychol. 2017;13:70–4. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.008
8. Jamshidi A, Sahebdel H, Shakory Z. Communicational beliefs and degree of marriage instability among the female and male married. Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal. 2017;2(2):1–14. [Persian] http://fpcej.ir/article-1-131-en.pdf
9. Li C, Jiang S, Fan X, Zhang Q. Exploring the impact of marital relationship on the mental health of children: does parent–child relationship matter? J Health Psychol. 2020;25(10–11):1669–80. https://doi.org/10.1177/1359105318769348
10. Huang CY, Sirikantraporn S, Pichayayothin NB, Turner-Cobb JM. Parental attachment, adult-child romantic attachment, and marital satisfaction: an examination of cultural context in Taiwanese and Thai heterosexual couples. Int J Environ Res Public Health. 2020;17(3):692. https://doi.org/10.3390/ijerph17030692
11. Refahi Z. Relation between attachment styles and marital conflicts through the mediation of demographic variables in couples. International Journal of Medical Research & Health Sciences. 2016; 5(11):643–52.
12. Mohammad Sharooni R, Shokri O, Hosseinzadeh Taghvaei M, Danesh E, Borjali A. The modeling of structural relationship of marital conflict concerning attachment styles, narcissism sensation seeking, and marital burnout in couples. Middle Eastern Journal of Disability Studies. 2020;10:23. [Persian] https://jdisabilstud.org/article-1-1714-en.pdf
13. Jalovaara M, Kulu H. Separation risk over union duration: an immediate itch? Eur Sociol Rev. 2018;34(5):486–500. https://doi.org/10.1093/esr/jcy017
14. León F. For-me-ness, for–us–ness, and the we–relationship. Topoi. 2020;39(3):547–58. https://doi.org/10.1007/s11245-018-9556-2
15. Gildersleeve S, Singer JA, Skerrett K, Wein S. Coding "we–ness" in couple's relationship stories: a method for assessing mutuality in couple therapy. Psychother Res. 2017;27(3):313–25. https://doi.org/10.1080/10503307.2016.1262566
16. Skerrett K. Resilient relationships: Cultivating the healing potential of couple stories. In: Creating connection: a relational–cultural approach with couples. New York, US: Routledge/Taylor & Francis Group; 2013. pp: 45–60.
17. Sanagoei Zadeh M. Identification of factors related to marriage stability in Iranian Studies (2010 – 2020). Journal of Public Policy. 2021;7(3):261–77. [Persian] https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.83378
18. Ghasemi V. Estimation of optimum sample size in structural equation modeling assessing its adequacy for social researchers. Iranian Journal of Sociology. 2011;12(4):126–47. [Persian] http://www.jsi-isa.ir/article_24095_40b1d8a0d74bb7a8ba1b926a2327cab5.pdf
19. Edwards JN, Johnson DR, Booth A. Coming apart: a prognostic instrument of marital breakup. Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies. 1987;36:168–70. https://doi.org/10.2307/583948
20. Ghezelseflo M, Hashemi S. Prediction of marital instability: couple intimacy and relational maintenance strategy. Biannual Journal of Applied Counseling. 2018;8(1):1–18. [Persian] https://doi.org/10.22055/jac.2018.24123.1535
21. Sanaei Zaker B. Family and marriage measurement scales. Tehran: Be'sat Publication; 2008.
22. Bell M, Billington R, Becker B. A scale for the assessment of reality testing: reliability, validity, and factorial invariance. J Consult Clin Psychol. 1985;53:506-11. [Persian] doi: 10.1037//0022-006x.53.4.506
23. Bell MD. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI) Manual. US, Los Angeles: Western Psychological Services; 1995.
24. Hadinezhad H, Tabatabaeian M, Dehghani. A preliminary study for validity and reliability of Bell Object Relations and Reality Testing Inventory. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2014;20(2):162–9. [Persian] https://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2184-en.pdf
25. Mesgarian F, Azadfallah P, Farahani H, Ghorbani N. Psychometric properties of Bell Object Relations Inventory (BORI). Clinical Psychology and Personality. 2020;15(2):193–204. [Persian] https://doi.org/10.22070/cpap.2020.2828
26. Cheraghi M, Mazaheri MA, Mootabi F, Panaghi L, Sadeghi MS, Salmani K. Family triad systemic scale: an instrument for assessment of relationships between couple and families of origin. Journal of Family Research. 2017;13(3):343–60. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_97571_124b69b8caf9d1f60a58bff4ed7d7f0f.pdf

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]

27. Sharifzadeh M, Safari S, Heidari chiane A. Fitting and path analysis knowledge management model and its role in the creativity faculty members (the case of implementing universities distance education). Education Strategies in Medical Sciences. 2017;10(3):172–9. [Persian] https://edcbmj.ir/article-1-1168-en.pdf
28. Ghorbani A, Jomenia SJ. The role of social factors (family, school, peer group) in socialization of students in Golestan province. Journal of Applied Sociology. 2018;29(2):113–28. [Persian] https://doi.org/10.22108/jas.2018.100602.1013
29. Jalali I, Ahadi H, Kiyamanesh AR. The effectiveness of family training based on Olson approach for family adaptation and cohesion. Psychological Methods and Models. 2016;7(24):1–22. [Persian] https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_2014_893f298b9d813d9898a2a1714051eda2.pdf
30. Khakpour I, Nazari AM, Zahra Kar K. The prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family. Thoughts and Behavior in Clinical Psychology. 2014;9(33):37–46. [Persian] https://jtbcp.riau.ac.ir/article_98_800bb8388a176a89767f444d0ed59b78.pdf
31. Modares M. Studying the relationship between adult attachment style to parents with stress, anxiety and depression. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2011;13(50):194–202. [Persian] https://doi.org/10.22038/jfmh.2011.1019
32. Mehman Navazan A, Ali Akbari Dehkordi M, Kakojoybari AA. Impact of attachment styles, family cohesion and adaptability on the level of resiliency as it relates to the feeling of homesickness among freshman students living in dormitories of Alzahra University. Women's Studies (Sociological & Psychological). 2014;12(4):173–204. [Persian]
33. Jwaheri Mohamadi M, Klantar Kosheh SM, Farah Baksh K. The comparison of marital satisfaction between traditional and non–traditional couples in Tehran. Family Counseling and Psychotherapy. 2015;5(2):123–42. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/article_15726_b26b0e32e1be9d97cba9c628f339a835.pdf

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2024-10-12]